

بررسی ابعاد تربیت نرم در آموزه‌های اسلامی

سید ابراهیم مرتضوی -

معصومه پوراصغری -

مجتبی انصاری مقدم

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱۱/۰۳

پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۰۸/۲۷

چکیده

تربیت نرم، نوعی از تربیت است که تأکید آن، بر انتقال ناهشیار یا نیمه‌هشیار مفاهیم به ذهن متربی با هدف ایجاد تغییر نرم و مانا در اوست. این روش تربیتی - که مهم‌ترین مزیت آن، مقابله با تهاجم فرهنگی و جنگ نرم است - بر دو مبنای بسیار مهم تکیه دارد که عبارتند از: وجود بخش هشیار یا نیمه‌هشیار در ذهن آدمی و تطوری‌پذیری و چندپایانی بودن تربیت. جستار پیش رو که از نوع تحقیقات کتابخانه‌ای است، روش تربیتی نرم را با تأکید بر منابع روایی شیعی با روشی توصیفی - تحلیلی بررسی کرده است و نتیجه‌ای که از این بررسی به دست آمده چنین است: پیشوایان اسلام در انتقال مفاهیم مورد نظر خود به مخاطبان خویش، از هر سه قسم "تربیت آمرانه"، "تربیت نرم" و روش تلفیقی "آمرانه - نرم" استفاده می‌کردند و بهره‌گیری از روش نرم در سیره آنان، به حوزه خاصی اختصاص نداشته است، بلکه چه در موضوعات اخلاقی، چه عقائدی و چه احکامی از این شیوه استفاده می‌کردند؛ گرچه فراوانی استفاده از این روش در گزاره‌های احکامی بیش از دو گزاره دیگر است. آنان برای تحقق این روش، از هنر و زبان هنری بهره می‌بردند که روش‌های مختلفی چون: تمثیل، انصراف ذهنی، حرکات نمایشی، تصویرسازی، هدیه‌دادن، عمل‌گرایی، اشکال هندسی و... را در خود جای می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: تربیت نرم؛ ناهشیار و نیمه‌هشیار ذهن؛ هنر و زبان هنری؛ آموزه‌های اسلامی؛ جنگ نرم

* نویسنده مسئول: دانش‌آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه اراک، پژوهشگر و استاد مدعو دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم
si.mortazavi@yahoo.com

** دانش‌آموخته کارشناسی علوم قرآن و حدیث، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین

m.porasghari96@gmail.com

mojtabaansari6767@gmail.com

*** دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

مقدمه

طبق دیدگاه اسلام، فلسفه وجودی انسان، نیل به سعادت و کمال است. رسالت این دین مقدس، تعلیم و تربیت است (ر.ک: بقره، ۱۲۹ و ۱۵۱؛ آل عمران، ۱۶۴؛ جمعه، ۲) و نیل آدمی به کمال مراد این دین، با نظام تربیتی آن پیوند وثیقی دارد. شیوه‌های تربیتی در اسلام، به دو گونه "مصرح" و "غیرمصرح" تقسیم می‌شود (اعرافی، ۱۳۹۶: ۲۰۱) و هریک از آنها، در دو دسته "مستقیم" و "غیرمستقیم (نرم)" قرار می‌گیرد که از دسته دوم، با عناوین تربیت زیرپوستی، تربیت ناخودآگاه، تربیت خاموش و یادگیری نهفته^۱ نیز می‌توان یاد کرد و مراد از آن، تربیتی است که انتقال مفاهیم در آن به طریقی انجام شود که ذهن انسان به آن پی نبرد، بلکه مفهوم موردنظر به شکل ناهشیار یا نیمه‌هشیار به آدمی منتقل شود (بارون^۲ و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۲۱ و ۱۲۲ با تصرف). اهمیت پرداختن به روش تربیت نرم در آموزه‌های اسلامی، از آن روست که این روش تربیتی از امتیازاتی نسبت به روش تربیتی مستقیم برخوردار است - که در مقاله به مهم‌ترین آنها پرداخته خواهد شد - و توصیف و تحلیل این روش تربیتی می‌تواند به تقویت بُعد تربیت دینی در خانواده‌های مسلمان کمک شایانی نموده و نیز دقت نظر پیشوایان دین را در امر تربیت بیش‌ازپیش روشن سازد.

پیشینه پژوهش

در رابطه با تعلیم و تربیت در اسلام و تربیت دینی - از دیرباز تا کنون مخصوصاً در عصر کنونی - مقالات متعددی نگاشته شده است و از ابعاد مختلف، این مسئله را کاویده‌اند، اما در رابطه با تربیت نرم یا تربیت غیرمستقیم، مقالاتی اندک و کم‌مایه به رشته تحریر درآمده است که عبارتند از: "نقد و بررسی فنون تربیت کودک" از خسرو باقری (ماهنامه تربیت، فروردین ۱۳۶۵، ش ۷: ۳۶ - ۳۷)، "تربیت غیرمستقیم" از مجید رشیدپور (ماهنامه پیوند، سال ۱۳۶۹، ش ۱۳۵: ۱۲ - ۱۵)، "ملاحظات تربیتی دینی" از عبدالعظیم کریمی (ماهنامه تربیت، سال ۱۳۷۵، ش ۱۰۷: ۴۹ - ۵۵)، "سیره تربیتی انبیا در قرآن" از مریم شکران (فصلنامه قرآنی کوثر، بهار ۱۳۸۷، ش ۲۷: ۳۳ - ۴۹) و "روش‌های تربیت دینی" از عبدالرحیم موگهی (ماهنامه مبلغان، تیر ۱۳۸۰، ش ۱۸: ۴۳ - ۴۹).

1. Subliminal Induction
2. Robert Baron

مقالات فوق - که به ترتیب تاریخ نگارش ذکر شده‌اند - صرف توصیف و آنهم توصیفی بسیار ناقص از مقوله تربیت نرم است؛ آنها تنها اشاره‌ای به تربیت نرم کرده و از مبانی، کارکردها و گزاره‌های آن هیچ سخنی به میان نیاورده‌اند. برخی از روش‌های تربیتی نرم نیز چون: مشاهده، نمایش، مقایسه، الگویی، قصه‌گویی، تمثیل و پرسش و پاسخ، به شکل بسیار موجز در برخی از آنها ذکر و تنها با ذکر شاهی از قرآن مستند شده است.

مقالات دیگری نیز با عنوان "تربیت غیرمستقیم" در سایت‌های مختلف منتشر شده است که مشخصه بارز آنها نیز معرفی اشاره‌وار، بسیار موجز و غیرمستند از تربیت نرم است.^۱

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر، توصیفی - تحلیلی است. در روش توصیفی، مسئله مورد نظر از طریق بر شمردن ویژگی‌ها، ابعاد و حدود آن مسئله - به همان شکلی که در منابع وجود دارد و بدون هرگونه اظهار نظری - معرفی می‌شود (ر.ک: نادری و سیف نراقی، ۱۳۷۸: ۷۲؛ نکونام، ۱۳۷۹: ۶). در روش تحلیلی نیز، با کندوکاو در زوایای گزاره‌های توصیفی ذکر شده، گونه‌های مختلف تربیت نرم استخراج و تحلیل شده است.

این تحقیق، از نوع تحقیق کتابخانه‌ای یا مطالعه‌ای (دهنوی، ۱۳۷۸: ۲۳) و عمده منابع مورد استفاده در آن، متون روایی متقدم و متأخر شیعه است. از آیات قرآن نیز - تا حد دلالت بر این نوع از تربیت - گزاره‌هایی نقل و بررسی شده است.

تربیت نرم

تربیت، در لغت به معنای "افزودن و پروردن" (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴: ۳۰۷؛ دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۴: ۵۵۰) و در اصطلاح، به معنای «آموزش برنامه‌ریزی شده و مداوم که برای انتقال مجموعه‌ای از دانش‌ها، مهارت‌ها و درک فهم‌ها طراحی شده و برای همه فعالیت‌های زندگی ارزشمند است» (داوودی، ۱۳۸۵: ۱۳) آمده است. از این واژه، تعاریف دیگری نیز صورت گرفته است؛ چنانکه گفته‌اند: «تربیت، فعالیت‌های نظام‌مند و برنامه‌ریزی شده‌ای است که نهادهای آموزشی جامعه انجام

۱. این نوشته‌جات در سایت‌های چون سایت حوزه (hawzeh.net)، رهروان ولایت (welayatnet.com)، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت (ahlolbait.com)، تبیان (tebyan.net) و... قابل مشاهده است.

می دهند» (همان)^۱.

تربیت در این مقاله - با استناد به معنای لغوی آن و نیز باتکیه بر مفهوم "انتقال" در تعاریف فوق و تعاریف دیگری که یکی از ارکان تربیت را «انتقال دهی مفاهیم ارزشمند به متربی» ذکر کرده اند (ر.ک: هیوود هرست^۲ و استنلی پیترز^۳، ۱۳۸۹: ۹۳) - پروردنی مبتنی بر انتقال مفاهیم بوده و به سن، صنف یا مخاطب خاصی اختصاص ندارد و «هدف آن، توسعه ویژگی های مطلوب در متربیان است» (ر.ک: Hirst & Peters, 1989: 19).

«روش تربیتی، شیوه بروز عمل یا فعالیتی است که به منظور تاثیرگذاری بر متربی، از مربی صادر می شود» (قائمی مقدم، ۱۳۹۱، ج ۱: ۱۲) و روش تربیتی نرم، روش تربیتی ای است که تأکید آن، بر انتقال ناخودآگاه مفاهیم دینی و غیردینی به ذهن متربی است؛ یعنی روش انتقال مفهوم به متربی، به گونه ای باشد که او - کاملاً یا بعضاً - متوجه این انتقال نشود (ر.ک: بارون^۴ و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۲۱ و ۱۲۲ با تصرف)

مبانی تربیت نرم

مبانی جمع مبنی و در لغت به معنای «شالوده، بنیان و اساس» است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۳: ۲۰۱۹). «همه گزاره هایی که درباب انسان ارائه می شود و در حوزه تربیت کارایی دارد، مبانی تربیت به شمار می آید» و در اقسامی چون مبانی علمی، مبانی فلسفی، مبانی دینی و... قابل دسته بندی است (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۵: ۵۳). اما آنچه که - در این بحث - با تربیت نرم ارتباط مستقیم دارد، پیش فرض های بنیادینی است که این روش تربیتی بر آن استوار است، که مهم ترین آنها در پی می آید:

وجود ناخودآگاه برای آدمی

یکی از مبانی تربیت نرم، وجود ناخودآگاه برای انسان است. «ناخودآگاه، مخزن احساسات، افکار، تمایلات و خاطراتی است که خارج از آگاهی هشیار ما قرار دارند. ناخودآگاه بخشی از ذهن انسان است که حاوی خاطرات، تکانه ها و امیالی است که بخش هشیار ذهن به آنها دسترسی

۱. از تربیت، تعاریف متعدد و متفاوت دیگری نیز ارائه شده است که برای پی بردن به آنها می توان به منابع ذیل رجوع کرد: صانعی، ۱۳۷۵: ۱۱ - ۱۳؛ قطب، ۱۳۷۵: مقدمه کتاب؛ حاجی ده آبادی، ۱۳۹۵: ۱۷؛ حجتی، ۱۳۶۸: ۹ - ۱۱ و...

2. P.H. Hirst
3. Richard Stanley Peters
4. Robert Baron

ندارد. این بخش، حاوی انواع و اقسام فرایندهای روانی است که در زندگی روزمره خود بر اساس آنها عمل می‌کنیم ولی به هیچ وجه در دسترس بخش هشیار ذهن ما نیستند» (اسمیت^۱ و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۱۵ و ۲۱۶)

«بخش ناهشیار شخصیت انسان یا همان ناخودآگاه او، دربردارنده امیالی است که رفتار ما را جهت‌دار و مشخص می‌کند» (شولتز^۲، ۱۹۹۰: ۵۸)، و این بخش از شخصیت انسان همان است که با روش تربیتی نرم مرتبط است و گزاره‌های منتقل‌شده را جذب می‌کند. در فیلم‌ها، تبلیغات، پویانمایی‌ها، و... القای مفاهیم پنهانی به همین ضمیر صورت می‌گیرد و زمینه را برای شکل‌گیری بخشی از شخصیت انسان فراهم می‌سازد که در آینده، به شکل ناخودآگاه رفتار او را جهت می‌دهد و گاه اتفاق می‌افتد که لحظه‌های سرنوشت‌ساز تصمیم‌گیری در زندگی با همین بخش از آدمی و با گزاره‌هایی که بر همین بخش از جان وی نشسته است، رقم زده می‌شود که شاید بتوان دگرگون‌شدن حالات شخصیت‌های بدکار تاریخ را که در آنی به یکی از اقطاب نیکوکار تاریخ بدل شده‌اند، به همین مسئله مرتبط ساخت.

تطورپذیری و چندپایانی بودن تربیت

تربیت، امری نسبی است و به تبع تغییر مقتضیات مختلف می‌تواند متطور شده و قبض و بسط پیدا کند (ر.ک: اردکانی، ۱۳۹۰: ۹). در عصر جدید با توجه به اقتضات گوناگون و بروز و ظهور تغییرات کمی و کیفی بسیار در ابعاد مختلف زندگی انسان، شیوه و سبک زندگی او تطور یافته است (ر.ک: قربانی، ۱۳۹۷) و به تبع این تطور، روش‌های تربیتی نیز، امری قابل‌تطور است، زیرا به کارگیری روش برای نیل به هدف است و هدف روش تربیتی تحویل‌دادن یک متربی به جامعه است به طوری که - به تعبیر امیرالمؤمنین (ع) - برای زمان خویش صلاحیت داشته باشد؛ «لا تفسرُوا اولادکم علی آدابکم فانهم مخلوقون لزمان غیر زمانکم»: «آداب و رسوم خود را به فرزندانان تحمیل نکنید، زیرا آنان برای زمانی غیر از زمان شما آفریده شده‌اند» (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ ق، ج ۲۰: ۲۶۷) و از آنجا که زمان‌ها و مکان‌ها در برخی از ابعاد با یکدیگر تفاوت دارند، روش‌های به کارگرفته شده برای تربیت نسل‌های آنها نیز تفاوت پیدا کرده، قبض و بسط می‌یابد و متکامل‌تر می‌شود.

1. Edward Smith
2. Duane P. Schultz

علاوه بر این، در بحث نظام‌ها، مفهومی به نام چندپایانی وجود دارد؛ این مفهوم می‌گوید که پیاده کردن یک روش واحد در چند خانواده ممکن است نتایج متفاوتی به بار آورد. به عبارت دیگر، ممکن است اجرای یک روش تربیتی در خانواده‌ای نتیجه‌بخش باشد، اما در خانواده دیگر با شکست مواجه شود (خوش‌خبر، ۱۳۹۰: ۳۰). بنابراین، اتکا به یک روش، نه تنها در همه موارد منتج به نتیجه‌ای مفید نمی‌شود، بلکه گاهی عکس آن اتفاق می‌افتد و پیامدهای تخریبی به دنبال دارد.

روش‌های تربیت نرم

با دقت در منابع اسلامی - یعنی قرآن مجید و منابع روایی شیعی که ذیل عناوین آتی مورد استناد قرار می‌گیرد - یک محور روشی برای این قسم از تربیت قابل استخراج است که می‌توان آن را "هنر" نام نهاد. هنر، واژه‌ای است که - چه از بُعد لغوی و چه از بُعد اصطلاحی - معنای واحدی ندارد و تعاریف متعدد و متناقضی از آن ارائه شده است (ر.ک: پوک و نیوئل^۱، ۱۳۹۲: ۲۳ - ۴۷؛ نبوی، ۱۳۷۸: ۴۸) و برخی نیز از تعریف‌ناپذیری آن سخن گفته‌اند (ر.ک: کرول^۲، ۱۳۹۳: ۴۵). معنایی که در این جستار مدنظر است، روش غیرمستقیم برای بیان مفاهیم و حقایق است (ر.ک: بستانی، ۱۳۷۱: ۱۲). روش هنری - به این معنا - دامنه‌ای بسیار گسترده از روش‌ها را دربرمی‌گیرد که به شکل مطلق، روش‌هایی چون: بهره‌گیری از فیلم، کارتون، پویانمایی، تئاتر، نقاشی، خط، مسابقه، معما، قصه، شعر، سرود، خاطره، استفاده از ضرب‌المثل، لطیفه، انصراف ذهنی و... را شامل می‌شود و در آموزه‌های اسلامی، به مواردی چون: تصویرپردازی‌ها، استفاده از حرکت‌های غیرزبانی^۳ (مازندرانی، ۱۳۸۲ ق، ج ۸: ۲۳۷) یا حرکت‌های زبانی غیرصریح^۴، عمل‌گرایی^۵، سرزنش‌های غیرمستقیم^۶... اشاره دارد.

1. Grant Pooke & Diana Newall

2. Carroll Noel

۳. «كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ يَأْسٍ بَيْنَكُمْ»: «مردم را با غیر زبان، [به کارهای نیکو] دعوت کنید» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۵: ۱۹۸).

۴. «عَقُوبَةُ الْعُقَلَاءِ التَّلْوِيحُ»: «عقوبت کردن عقلاء با تلویح است» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق: ۴۶۶).

۵. «كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِأَعْمَالِكُمْ»: «مردم را با اعمالتان [به کارهای نیک] فرا بخوانید» (حمیری، ۱۴۱۳ ق: ۷۷)؛ و نیز ر.ک: (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷ ق: ۱۳۹؛ حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۲۱۰).

۶. برای نمونه می‌توان به آیه ۲۳ سوره مبارکه اسراء اشاره کرد که می‌فرماید: «إِنَّمَا يَتَّبِعَنَّ عِنْدَكَ الْكِبِيرَ أَخَذَهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفٍّ وَلَا تَنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا»: «هرگاه یکی از آنان یا دو نفرشان در کنارت به پیری رسند [چنانچه تو را به ستوه آورند] به آنان اف مگوی و بر آنان [بانگ مزین و] پرخاش مکن، و به آنان سخنی نرم و شایسته [و بزرگووارانه] بگو». این در حالی است که پیامبر(ص)، پدر و مادرش را در دوران طفولیت از دست داده بود(ر.ک: ابن‌هشام، ۱۳۷۵، ج ۱: ۱۱۳ - ۱۱۴). این سخن، از نگاه امام صادق(ع) نیز مورد تایید است که فرمودند: بسیاری از خطابات قرآن به عنوان سرزنش پیامبر(ص) نازل شده ولی مقصود خداوند دیگران بوده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲: ۶۳۱).

گزاره‌های تربیت نرم - که مبتنی بر روش مزبور است - در پی می‌آید:

تربیت نرم در آموزه‌های اسلام

تربیت نرم در آموزه‌های اسلام را می‌توان در سه محور موضوعی پی گرفت که عبارتند از:

آموزه‌های مربوط به اخلاق

مراد از این آموزه‌ها، هر آموزه‌ای است که در آن، از اصول پنج‌گانه دین و احکام شرعی سخن به میان نیامده باشد، و - چنانکه در مقدمه آمده است - مراد از روشی تربیتی در اینجا، هر روشی است که به شکل غیرمستقیم، مفهومی را انتقال دهد.

عمل‌گرایی در تربیت

«عمل‌گرایی سه گزاره را دربر می‌گیرد: عمل به آنچه می‌داند؛ عمل به آنچه توصیه می‌کند و عمل به آنچه امر و نهی می‌کند» (اعرافی، ۱۳۹۶: ۲۴۲). علاوه بر این، عمل‌گرایی مسائل مختلفی را تحت پوشش خود قرار می‌دهد؛ مسائلی که متریبی را - با استفاده از رفتارگرایی - تحت تأثیر غیر مستقیم خود قرار می‌دهد. برخی از مهم‌ترین این موارد در آموزه‌های اسلامی - با توجه به حجم مقاله - در پی خواهد آمد:

مهربانی و محبت^۱

یکی از این موارد، مهربانی و محبت است. محبت، مهربانی، احسان و توجه، از ویژگی‌های شاخص پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) بوده است چنانکه در وصف پیامبر(ص) می‌فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ...» [ای پیامبر! پس به مهر و رحمتی از سوی خدا با آنان نرم خوی شدی و اگر درشت‌خوی و سخت‌دل بودی از پیرامونت پراکنده می‌شدند...] (آل عمران، ۱۵۹). در روایتی از پیامبر(ص) آمده است: «أَحْبَبُوا الصَّبِيَّانَ وَ ارْحَمُوهُمُ..»: «کودکان خود را دوست بدارید و به آنها رحم آورید» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶: ۴۹)^۲.

احسان و محبت یکی از روش‌هایی است که زمینه را برای تأثیرگذاری مربی مساعد می‌کند، چنانکه تحقیقات علمی نیز این مطلب را تأیید می‌کند؛ تیلور می‌گوید: «یافته‌های روان‌شناسان نشان می‌دهد که هر چه مخاطبان نگاه مثبت‌تری به گوینده داشته باشند، ارتباط را مثبت‌تر ارزیابی کرده و

۱. در باب تربیت عاطفی و نقش عاطفه و احساس والدین در تربیت می‌توان به مجموعه مقالات تربیتی (تربیت دینی، اخلاقی و عاطفی) رجوع کرد (ضرابی، ۱۳۸۸: ۳۳۹ - ۴۳۰ و ۴۷۱ - ۴۹۱)

۲. نمونه‌های فراوانی در این باره وجود دارد (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۳: ۴۴؛ ج ۶: ۹۵؛ ۲۸۸ و...)

احتمال بیشتری دارد که نگرش خود را مطابق نظر گوینده تغییر دهند» آنگاه وی در تبیین این مسئله می‌گوید: «از آنجا که انسان‌ها سعی می‌کنند شناخت‌هایشان با احساساتشان هماهنگ باشد، نگرش خود را به احتمال زیاد بر حسب نگرش‌های کسانی که دوست دارند، تغییر می‌دهند» (داوودی و حسینی‌زاده، ۱۳۹۶: ۲۴۲).

تساوی در اعمال عدالت

تساوی در اعمال عدالت، بُعد رفتاری دیگری است که در روایات آمده است؛ در روایتی از پیامبر (ص) آمده است: «اغْدِلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ فِي السَّرِّ كَمَا تُجِبُونَ أَنْ يَغْدِلُوا بَيْنَكُمْ فِي الْبُرِّ وَاللُّطْفِ»: «میان فرزندان خود به عدالت رفتار کنید، چنانکه دوست دارید میان شما در نیکی و لطف و محبت به عدالت و مساوات رفتار کنند» (طبرسی، ۱۴۱۲ق: ۲۲۰).

قهر کردن‌های کوتاه‌مدت

یکی دیگر از موارد روش رفتاری، قهر کردن‌های کوتاه‌مدت است؛ چنانکه در روایت آمده است که «کسی از دست پسرش نزد امام کاظم (ع) گله کرد. حضرت فرمود: او را زن، از او دوری کن ولی دوری و قهر تو طول نکشد» (مجلسی، ج ۱۰۴: ۹۹).

روش انصراف ذهنی

«روزی پیامبر (ص) برای اقامه نماز عازم مسجد بود. در راه به کودکانی برخورد که مشغول بازی بودند. آنان تا پیامبر (ص) را دیدند، دور او حلقه زدند و دامنش را گرفتند و هریک از آنها می‌گفت: کُنْ جَمَلِي (شتر من باش تا بر شانه‌ات سوار شویم). کودکان که این گونه رفتار پیامبر (ص) با حسنین (ع) را دیده بودند، انتظار داشتند که پیامبر (ص) به آنها پاسخ مثبت بدهد. پیامبر (ص) نیز درخواستشان را پذیرفت. اصحاب که برای اقامه نماز در مسجد، منتظر پیامبر بودند بلال را به دنبال ایشان فرستادند. همین که بلال در راه با این جریان مواجه شد، زبان به اعتراض گشود. پیامبر فرمود: برای من تنگ شدن وقت نماز بهتر از دلتنگ شدن این کودکان است. به منزل من برو و اگر چیزی هست برای کودکان بیاور. بلال، با عجله رفت و با هشت گردو برگشت. پیامبر (ص) گردوها را در دست گرفت و خطاب به کودکان فرمود: «أَتِيْعُونَ جَمَلَكُمْ بِهِذِهِ الْجَوَازَاتِ؟» یعنی آیا شتر خود را به این گردوها می‌فروشید؟ کودکان به این معامله رضایت دادند و با خوشحالی پیامبر را رها کردند. پیامبر نیز عازم مسجد شد و فرمود: خدا برادرم، یوسف صدیق را رحمت کند. او را به مقداری پول بی‌ارزش فروختند و مرا نیز به هشت گردو معامله کردند» (عوفی بخاری، ۱۳۷۱: ۳۰).

این روش تربیتی نرم و از نوع انصراف ذهنی است؛ زیرا پیامبر(ص) به جای اینکه به کودکان عتاب و خطاب کند و آنان از خود دور سازد، با دادن گردو به آنان - بدون اینکه خودشان متوجه شوند - ذهن‌شان را منصرف ساخت و به راه خویش ادامه داد. درحالی که پای مهم‌ترین امر دینی یعنی پای نماز در میان بود، اما رسول خدا(ص) پاسخ مثبت دادن به کودکان و استفاده از این روش تربیتی را به نماز اول وقت و روش تربیت مستقیم ترجیح دادند.

استفاده از سکوت به جای گفتار

بعد از خواستگاری امام علی(ع) از حضرت فاطمه(س)، پیامبر اکرم(ص) به نزد دخترش می‌رود تا نظر او را درباره این ازدواج جویا شود. پیامبر(ص) پیش از اینکه به نزد فاطمه زهرا(س) برود، به امیرالمؤمنین(ع) می‌فرماید: «ای علی، پیش از تو کسان دیگری نیز فاطمه را از من خواستگاری کردند و من درخواست آنان را به فاطمه(س) گفتم، اما کراهت را در چهره او یافتم ولی صبر کن تا بازگردم.» بعد از مطرح کردن خواسته علی(ع) با دختر خویش، همین که سکوت و عدم اعراض و کراهت او را دید، با خوشحالی بانگ الله اکبر برآورد و فرمود: «سُكُوتُهَا اِقْرَارُهَا» یعنی سکوتش بر رضایتش دلالت دارد» (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۳۹).

بهره‌گیری از سکوت، یکی از اقسام تربیت نرم است. سکوت حضرت فاطمه(س) - که ممکن است به خاطر حجب و حیای ایشان بوده باشد و از این بُعد ذیل محور اخلاق قرار می‌گیرد - دلالت واضح و آشکاری بر انتقال خاموش رضایت او از این ازدواج دارد. در اینجا پیامبر(ص) با مقایسه طرز رفتار او در برخورد با خواستگارهای پیشین، به مفهوم منتقل شده از چهره ایشان پی می‌برد. در خواستگاری‌های پیشین نیز - که حضرت با بروز کراهت در چهره، ناخرسندی خود را نشان می‌دهد - این روش تربیتی به وضوح روشن است. بروز و ظهور دادن خرسندی یا ناخرسندی در چهره و بهره‌گیری از سکوت به جای پاسخ دادن صریح - به هر دلیلی که باشد - یکی از ابزارهای بیانی و از انواع هنری محسوب می‌شود.

۱. «بَا عَلِيٍّ، إِنَّهُ قَدْ ذَكَرَهَا قَبْلَكَ رِجَالٌ، فَذَكَرْتُ ذَلِكَ لَهَا، فَرَأَيْتِ الْكَرَاهَةَ فِي وَجْهِهَا... قَالَ(ص): إِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ مِنْ قَدْ عَرَفْتُ قَرَابَتَهُ وَفَضْلَهُ وَإِمْلَأْتَهُ، وَإِنِّي قَدْ سَأَلْتُ رَبِّي أَنْ يُرَوِّجَكَ خَيْرَ خَلْفَةٍ وَأَحَبِّهِمْ إِلَيَّ، وَ قَدْ ذَكَرَ مِنْ أُمَّرِكِ شَيْئاً فَمَا تَرَيْنَ فَسَكَتَتْ وَ لَمْ تُولِّ وَجْهَهَا وَ لَمْ يَرِ فِيهِ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ) كَرَاهَةً، فَفَاقَ وَ هُوَ يَقُولُ: اللَّهُ أَكْبَرُ، سُكُوتُهَا اِقْرَارُهَا» (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۳۹)

انتقال مفهوم با شعر

«فاطمه زهرا(س) فرزندش حسن(ع) را می‌رقصاند و می‌خواند: حسن جان! مانند پدرت علی(ع) باش. حق را صریح بیان کن و خدای منان را عبادت کن و با کینه‌توز دوستی مکن»^۱ (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۳: ۳۸۹).

در اینجا، حضرت زهرا(س) از دو روش برای انتقال مفاهیم اخلاقی به فرزندش بهره می‌گیرد؛ یکی رقصاندن فرزندش است (كَانَتْ فَاطِمَةُ تُرْقِصُ ابْنَهَا) و دیگری بهره‌گیری از شعر است.

گزاره‌های مربوط به عقائد

در زمینه عقائد، آنچه در گزاره‌های اسلامی - از این نوع روشی - به چشم می‌خورد، انحاء مختلفی را دربر می‌گیرد که در پی می‌آید:

بهره‌گیری از تمثیل

در گفتگویی میان عبدالله دیصانی و هشام، عبدالله از او پرسید: «تو پروردگاری داری، گفت: آری گفت: او قادر است؟ گفت: آری قادر و هم قاهر است گفت: می‌تواند تمام جهان را در تخم مرغی بگنجاند که نه تخم مرغ بزرگ شود و نه جهان کوچک؟ هشام به خدمت امام صادق(ع) رسید و سؤال را مطرح کرد. حضرت فرمود: ای هشام چند حس داری! گفت: پنج حس. فرمود: کدام یک کوچکتر است! گفت باصره (یعنی چشم). فرمود: اندازه بیننده چقدر است؟ گفت: اندازه یک عدس یا کوچکتر از آن پس فرمود: ای هشام به پیش رو و بالای سرت بنگر و بمن بگو چه می‌بینی، گفت: آسمان و زمین و خانه‌ها و کاخ‌ها و بیابان‌ها و کوه‌ها و نهرها می‌بینم. امام(ع) فرمود آنکه توانست آنچه را تو می‌بینی در یک عدس یا کوچکتر از عدس درآرد، می‌تواند جهان را در تخم مرغ درآورد بی آنکه جهان کوچک و تخم مرغ بزرگ شود.

حضرت در جواب دیصانی نیز که به ایشان گفت: "مرا به معبودم راهنمایی کن"، تخم مرغی را در دست گرفت و فرمود: ای دیصانی این تخم سنگری است پوشیده که پوست کلفتی دارد و زیر پوست کلفت پوست نازکی است و زیر پوست نازک طلائی است روان و نقره‌ای است آب شده که نه طلای روان به نقره آب شده آمیزد و نه نقره آب شده با طلای روان درهم شود و به همین حال باقی است، نه مصلحی از آن خارج شده تا بگوید من آن را اصلاح کردم و نه مفسدی درونش

۱. «كَانَتْ فَاطِمَةُ ع تُرْقِصُ ابْنَهَا حَسَنًا ع وَ تَقُولُ: أَشْبِهَ أَبَاكَ يَا حَسَنُ - وَ اخْلَعْ عَنِ الْحَقِّ الرَّسْنَ - وَ اعْبُدْ إِلَهًا ذَا مَتْنٍ - وَ لَا تُؤَالِ ذَا الْإِخْتِ» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۳: ۳۸۹)

رفته تا بگوید من آن را فاسد کردم و معلوم نیست برای تولید نر آفریده شده یا ماده، ناگاه می‌شکافد و مانند طاوس رنگارنگ بیرون می‌دهد؛ آیا تو برای این مدبری در می‌یابی، دیصانی مدتی سر به زیر افکند و سپس گفت: گواهی دهم که معبودی جز خدای یگانه بی‌شریک نیست و اینکه محمد بنده و فرستاده اوست و تو امام و حجت‌خدائی بر مردم و من از حالت پیشین توبه گزارم^۱ (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۱: ۱۰۳).

این روایت مربوط به اثبات صفات خداوند و مربوط به حوزه عقائد است. «سؤال دیصانی از یک امر غیرممکن و محال عقلی بوده است که دانشمندان گویند قدرت خداوند به محال تعلق نمی‌گیرد و این نقص از ناحیه امر محال است نه از ناحیه قدرت خدا، زیرا که امر محال ذات و شیئیت ندارد تا شایسته باشد در دائره ممکن و موجود در آید و مانند شریک است برای خدا که قدرت نامتناهی خدا هم به ایجادش تعلق نگیرد، زیرا هرچه خدا خلق کند باز او مخلوق است و خدای خالق و شریک خدا نتواند بود، امام (ع) در جواب دیصانی این مطلب را صریحاً فرموده و مثال بینائی دیده و منطبع شدن آنچه می‌بینید را در آن بیان فرموده است تا به‌طور کنایه و التزام دلالت داشته باشد بر اینکه اولاً سؤال تو غلط است زیرا هر کودکی می‌فهمد که آن نشدنی است؛ ثانیاً اگر می‌خواهی کمال قدرت خدا را بدانی در اینکه من می‌گویم بیندیش که درعین اینکه محال نیست، از خوارق عادت و رقایق خلقت و دقایق نظام طبیعت است و ثالثاً اگر گنجیدن دنیا را در تخم مرغ می‌خواهی به این طریق که من گفتم یعنی از راه انطباع و انعکاس ممکن است و خدا هم بر آن قدرت دارد و رابعاً اگر خدا تخم مرغ را مانند عدسی چشم قرار می‌داد که جهان در آن منعکس شود در نظام خلقت مصلحتی نداشت و فائده‌ای بر آن مترتب نبود آنچه به مصلحت بشر است بینائی چشم اوست به این طریق حیرت‌انگیز که اختراع فرموده است» (مصطفوی، ۱۳۶۹، ج ۱: ۱۰۴).

نمایش و تصویرسازی

در روایتی آمده است که «روزی عده‌ای از بزرگان یهود به مدینه آمدند و از امیرالمؤمنین (ع) درمورد خداوند سؤالاتی کردند. از جمله درباره معنای آیه «فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهَ اللَّهِ»: «پس به هر کجا رو کنید آنجا روی خداست» (بقره/ ۱۱۵) پرسش کردند که چطور ما به هر طرف رو کنیم،

۱. به خاطر طولانی بودن روایت، متن عربی آن ذکر نگردید.

به طرف خدا هستیم؟ حضرت به ابن عباس فرمود تا آتشی روشن کنند. آنگاه از آنان سؤال کرد: صورت آتش به کدام جهت است؟ گفتند: ما که برای شعله آتش صورتی نمی‌بینیم! یعنی شعله آتش که پشت و رو ندارد. آنگاه فرمود: كَذَلِكَ رَبِّي أَيُّمًا تَوَلَّوْا فَنَّمَّ وَجْهَ اللَّهِ «یعنی خدای من این چنین است و به هر سو رو کنید، آنجا روی خداست»^۱ (دیلمی، ۱۴۱۲ق، ج ۲: ۳۱۸).

این شیوه، شیوه بهره‌گیری از نمایش و تصویرسازی و یکی از اقسام هنری است که در چندین روایت از آن استفاده شده است.

بهره‌گیری از تمثیل

امام صادق در پاسخ به سؤالی درباره آیه «كُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا»: «هرگاه پوستشان بریان شود، پوست‌های دیگری جایگزین آن می‌کنیم» (نساء / ۵۶) که گناه پوست‌های دیگر چیست که بسوزند؟ فرمود: آیا مردی را دیده‌ای که خشتی را بشکند، سپس آن را گل کند و در قالب بریزد و خشتی دیگر درست کند؟ این خشت همان خشت اول است و درعین حال با آن تفاوت دارد»^۲ (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۱۴۱).

این روایت به بیان سختی معاد و قیامت با بهره‌گیری از تمثیل می‌پردازد. این شیوه یکی از اقسام هنری است که در گزاره‌های قرآنی - روایی زیاد به آن استناد شده است.

اشکال هندسی

در حدیث صحیحی از جابر نقل شده است که «نزد پیامبر بودیم و ایشان یک خط کشیدند و سپس دو خط در سمت راست آن کشیدند و سپس دو خط در سمت چپ آن کشیدند و سپس دست خود را روی خط میانی گذاشتند و فرمودند: این راه خداست و این راه‌های دیگر، راه‌هایی هستند که روی هر یک از آنها شیطانی است که به سوی آن دعوت می‌کند» (ابن ماجه، بی تا، ج ۱: ۶).

توضیح مفاهیم دینی و ملموس‌سازی آنها با اشکال ساده هندسی - در حد سواد مردمان آن زمان - یکی از ابزارهای هنری و از نوع تربیت نرم تلقی می‌شود که پیامبر(ص) از آن برای

۱. «قَالَ فَأَيُّنَ وَجْهَ رَبِّكَ فَقَالَ عَلِيُّ ع لِبَابِنِ عَبَّاسِ ابْنِ بَنَارٍ وَ حَطَبٍ فَأَضْرَمَهَا وَ قَالَ أَيْنَ وَجْهَهُ هَذِهِ النَّارِ قَالَ لَا أَيْفُ لَهَا عَلَيَّ وَجْهٌ قَالَ كَذَلِكَ رَبِّي أَيُّمًا تَوَلَّوْا فَنَّمَّ وَجْهَ اللَّهِ...» (دیلمی، ۱۴۱۲ق، ج ۲: ۳۱۸).

۲. «فَقِيلَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع كَيْفَ تَبَدَّلُ جُلُودَ غَيْرِهَا قَالَ أُرَأَيْتَ لَوْ أَخَذْتَ لَبَنَةً فَكَسَرْتَهَا وَ صَبَرْتَهَا تَرَابًا - ثُمَّ ضَرَبْتَهَا فِي الْقَالِبِ أَمْ هِيَ الَّتِي كَانَتْ، إِنَّمَا هِيَ ذَلِكَ» (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۱۴۱).

جدا کردن راه خدا و راه شیطان و نشان دادن صراط مستقیم بهره برده است.

گزاره های مربوط به احکام

عمل‌گرایی

در روایتی از امام صادق(ع) آمده است که «امیرالمؤمنین(ع) در خانه خود، اتاق متوسطی را برای نماز اختصاص داده بود. در آخر شب، اگر طفلی به خواب نمی‌رفت، امام او را به آن اتاق می‌آورد و نماز می‌خواند»^۱ (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۵: ۲۹۵).

از سیره حضرت(ع) چنین به دست می‌آید که هدف ایشان از بردن کودک به اتاق مخصوص عبادت، آن بوده است که فرزندش صدای نماز را بشنود و با عمل ایشان به فرمان خداوند، به شکل غیر مستقیم با عبادت الهی آشنا شود.

نمایش با استفاده از حیوانات

این شاهد مثال در سوره مبارکه مائده آمده است؛ قابیل بعد از کشتن هابیل، نمی‌دانست با جسد او چه کند. خداوند کلاغی را می‌فرستد تا با کاویدن زمین به او نشان دهد که باید جسد برادرش را در خاک پنهان نماید: «فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُورِثُ سَوْأَةَ أَخِيهِ...» (مائده، ۳۰ و ۳۱): «پس [در کنار جسد برادرش سرگردان بود که] خدا کلاغی را برانگیخت که زمین را می‌کاوید تا به او نشان دهد که چگونه جسد برادرش را پنهان کند».

این داستان ذکر شده در قرآن را می‌توان از نوع نمایش به حساب آورد که خداوند با فرستادن کلاغی به سوی قابیل، نحوه تدفین میت را به او تعلیم می‌دهد.

نمایش تمثیلی

این شاهد در سوره مبارکه صاد درباره حضرت داود(ع) آمده است که خداوند با فرستادن فرشتگانی به نزد وی، و با مطرح کردن واقعه‌ای، او را متوجه اشتباه خود می‌کند و سپس آن حضرت پی به قضاوت ناصحیح خود برده و به درگاه خداوند انابه و استغفار می‌کند: «وَهَلْ أَتَاكَ نَبُؤُا الْحَخْمِ إِذْ تَسَوَّرُوا الْمِحْرَابَ* إِذْ دَخَلُوا عَلَى دَاوُدَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ قَالُوا لَا تَخَفْ خَصْمَانِ بَغِي بَعْضُنَا عَلَى بَعْضٍ فَاحْكُم بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَ لَا تُشْطِطْ وَ اهدِنَا إِلَى سَوَاءِ الصِّرَاطِ* إِنَّ هَذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَ تِسْعُونَ نَعْجَةً وَ لِي نَعْجَةٌ وَاحِدَةٌ فَقَالَ أَكْفِلْنِيهَا وَ عَزَّنِي فِي الْخِطَابِ* قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعَجِكَ إِلَى

۱. «كَانَ عَلَى ع قَدْ جَعَلَ بَيْتًا فِي دَارِهِ لَيْسَ بِالصَّغِيرِ وَ لَا بِالْكَبِيرِ لِصَلَاتِهِ وَ كَانَ إِذَا كَانَ اللَّيْلُ ذَهَبَ مَعَهُ بِصَبِيٍّ لَبِيبٍ مَعَهُ فَيُصَلِّي

فِيهِ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۵: ۲۹۵).

يَعَاجِهْ وَإِنْ كَثِيرًا مِّنَ الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَّا هُمْ وَظَنَّ دَاوُدُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ: «و آیا خبر مهم آن دادخواهان هنگامی که از دیوار بلند نمازخانه او بالا رفتند به تو رسیده است؟ زمانی که [به طور ناگهانی] بر داود وارد شدند و او از آنان هراسان شد، گفتند: نترس [ما] دو گروه دادخواه و شاکی هستیم که یکی از ما بر دیگری ستم کرده است، بنابراین، میان ما به حق داوری کن و [در داوریت] ستم روا مدار و ما را به راه راست راهنمایی کن. این برادر من است، نود و نه میش دارد و من یک میش دارم، گفته است: این یکی را هم به من واگذار و در گفتگو مرا مغلوب ساخت. گفت: یقیناً او با درخواست افزودن میش تو به میش‌های خود بر تو ستم روا داشته است و قطعاً بسیاری از معاشران و شریکان به یکدیگر ستم می‌کنند، به‌جز کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند و اینان اندکند. داود دانست که ما او را [در این حادثه] آزموده‌ایم، در نتیجه از پروردگارش درخواست آمرزش کرد و بی‌درنگ به حالت خضوع به رو درافتاد و به خدا بازگشت» (ص / ۱۲ - ۲۴).

این آیات را نیز می‌توان زیرمجموعه نمایش و خلق داستان قرار داد. در تربیت کودکان با اقتباس از این گزاره‌ها می‌توان مثال‌های فراوانی خلق کرد.

حرکت نمایشی انسانی

«روزی امام حسین (ع) و امام حسن (ع) مردی را دیدند که اشتباه وضو می‌گرفت؛ از این رو، شروع به دعوی ظاهری نموده و هریک به دیگری گفت: تو وضو را درست انجام نمی‌دهی. بدین گونه توجه پیرمرد را به خود جلب نموده و گفتند: ای پیرمرد! هریک از ما وضو می‌گیریم و تو داوری کن. پس از آنکه هر دو وضو گرفتند، پیرمرد که متوجه اشتباه خود شده بود، گفت: وضوی شما درست است ولیکن این پیرمرد نادان تاکنون درست وضو نمی‌گرفت و اکنون آن را از شما آموخت...» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰: ۸۹).

در این قضیه، حسنین (ع) به‌جای اینکه به نزد پیرمرد رفته و مستقیماً نحوه وضو گرفتن را به او تعلیم دهند، با یک حرکت نمایشی نحوه گرفتن وضوی صحیح را به او یاد می‌دهند.

هدیه‌دادن

«از امام حسن (ع) یا جابرین عبدالله نقل شده است که نماز را در محضر رسول‌الله (ص) خواندم. همینکه آن حضرت سلام داد، به ما فرمود: «صبر کنید، کوزه‌ای با مقداری حلواست.» آنگاه برای تقسیم آن از جا بلند شد و به هر کس مقداری حلوا می‌داد تا اینکه به من رسید. من کودک بودم.

آن حضرت انگشتی حلوا به من خوراند، سپس فرمود: «باز هم بدهم؟» گفتم: آری! آن حضرت انگشتی دیگر به خاطر خردسال بودنم به من خوراند»^۱ (طیسی، ۱۳۷۳: ghadeer.org/Book/443/ 69251).

در حکایت فوق، پیامبر(ص) بین نمازگزاران حلوا پخش می‌کند و به نوه خود، حلوا می‌خوراند. این کار حضرت نوعی هدیه‌دادن غیرمستقیم برای تشویق به نماز است، زیرا حضرت می‌توانست حلوا دادن را در غیرنماز نیز انجام دهد، اما با انجام این کار هنگام نماز، از بُعد غیرمستقیم آن بهره برده است.

پیوند دادن رؤیا با واقعیت

در روایتی دیگری از پیامبر آمده است: «در خواب چیزهای عجیبی دیدم. اصحاب گفتند یا رسول‌الله چه دیدی؟ فرمود: مردی از مسلمانان را دیدم که عذاب قبر او را فرا گرفته بود، وضویش آمد و مانع عذابش شد. مردی از مسلمانان را دیدم که ملائکه عذاب او را احاطه کرده بودند، نمازش آمد و مانع ملائکه عذاب شد» (صدوق، ۱۳۷۶: ۲۳۱).

در این روایت نیز مانند روایت پیشین، با بیان رؤیایی صادقانه، به شکل غیرمستقیم به نماز و وضو تشویق شده است.

مزایای تربیت نرم

تربیت نرم، نسبت به روش تربیتی مستقیم و آمرانه، مزایایی دارد که عبارتند از: حفظ غرور متربی، مانایی، پایایی و پویایی، عدم دلزدگی و جلوگیری از بروز حسّ تنفر در متربی مخصوصاً در مسائل مذهبی، امکان بهره‌گیری در همه موقعیت‌ها؛ خواه در خلوت باشد یا میان مردم، امکان بهره‌گیری در همه رده‌های سنی، جذابیت، امکان بهره‌گیری در عرصه‌های تبلیغاتی، دفاع در مقابل تهاجم‌های فرهنگی، بهره‌گیری در روان‌شناسی موفقیت و... با این حال، مهم‌ترین و کاربردی‌ترین مزیت آن را می‌توان، کاربرد آن در "مقابله با جنگ نرم و تهاجم فرهنگی" تلقی کرد. جنگ نرم، جنگی خاموش است که با حداکثر پنهان‌کاری انجام می‌شود و زمینه را برای تغییر تدریجی و

۱. هدیه‌دادن به کودک به‌عنوان یکی از روش‌های تربیتی، از سوی برخی از پژوهشگران خارجی نیز مورد تأیید است، چنانکه در دانشگاه بیرمنگام انگلستان به این مسئله پرداخته‌اند و مقالاتی در این باب نگاشته‌اند که می‌توان به مقاله ذیل اشاره کرد:

A Gift to The Child: A New Pedagogy for Teaching Religion to Young Children, John M. Hull

پایدار باورهای اساسی جامعه فراهم می‌سازد (ر.ک: امامی، ۱۳۹۱: ۶۸ - ۶۹). از این رو، راه مقابله با آن نیز باید راهی باشد که قربانی جنگ نرم، به آن پی نبرد زیرا اگر ابزار دفاعی با ابزار تهاجمی همخوان نباشد، اثر شایسته و بایسته‌ای به دنبال ندارد. اگر دفاع به صورت غیرنرم و آشکار باشد، ممکن است متربی حالتی تهاجمی به خود گرفته و سخن مربی را نپذیرد. این بدین خاطر است که زمانی که طی فرایند جنگ نرم، افکار و عقاید تحمیل شده، هویت‌سازی جدیدی برای فرد صورت داده است، حمله به افکار او باعث می‌شود تا وی آن را حمله به خود تلقی نموده و واکنشی تند و دفاعی از خویش نشان دهد. اما در روش تربیتی نرم، متربی متوجه انتقال مفاهیم نمی‌شود، زیرا پیام‌های زیر آستانه آگاهی، ذهن هشیار را دور می‌زنند و از جایی زیر آستانه درک وارد ذهن می‌شوند و در قسمت باورها می‌نشینند. از این رو، در این روش تربیتی، کم‌ترین حالت دفاعی توسط متربی صورت می‌گیرد و اثرات جنگ نرم به‌خوبی دفع خواهد شد.

آسیب‌های تربیت نرم

تربیت نرم علی‌رغم مزایایی که دارد، با موانع و آسیب‌هایی نیز همراه است که مهم‌ترین آنها عبارتند از: پیچیدگی، ظرافت، عدم انتقال کامل گزاره تربیتی، نیازمندی مربی به تخصص و مهارت زیاد، عدم آشنایی خانواده‌ها با این روش تربیتی، عدم اطمینان کامل از انتقال گزاره موردنظر و... توضیح و تفصیل هریک از این موانع و آسیب‌ها، نگاشته مفصل، مجزا و درازدانی را می‌طلبد. از این رو، در جستار فرارو، یکی از مهم‌ترین این موانع یعنی "عدم تأثیرگذاری کامل گزاره منتقل شده به مُربی" و راه‌حل آن بررسی می‌شود.

در روش تربیتی نرم، امکان دارد مُربی انتقال مفهوم تربیتی را به هیچ وجه احساس نکند و همین امر باعث شود تا گزاره منتقل شده تأثیر بایسته و شایسته‌ای روی متربی برجای نگذارد. از این رو، برای رفع این آسیب، باید از روش تلفیقی "آمرانه - نرم" بهره برد تا گزاره منتقل شده توسط مُربی به‌خوبی احساس شود و تأثیر آن به‌طور کامل به او منتقل گردد. از این رو، در برخی از روایات، به بازگ کردن روش تربیت غیرمستقیم نیز توصیه شده است. چنانکه در روایتی از پیامبر (ص) آمده است: «... کار نیک انجام دهید و آن را به خانواده‌تان یادآور شوید.» (ابن‌حیون مغربی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۸۲). پیامبر اسلام (ص) هم به عمل‌گرایی توصیه فرموده و هم بازگ کردن آن کار نیک برای مخاطب را مورد توجه قرار داده است. از جمله نقل‌های دیگری که مرتبط با بحث مزبور است، دو روایتی است که در پی می‌آید؛ «اسیرانی را نزد پیامبر آوردند. زنی از اسیران، شیر

از پستانش می‌دوشید و هرگاه کودکی میان اسیران می‌دید، می‌گرفت و به سینه می‌چسبانید و شیرش می‌داد. پیامبر به ما فرمود: آیا این زن، فرزند خود را به آتش می‌اندازد؟ گفتیم: اگر بتواند او را نیندازد، نمی‌اندازد. آن گاه پیامبر(ص) فرمود: خداوند به بندگان خود مهربان‌تر است از این زن به فرزندش» (بخاری، بی تا، ج ۷: ۷۵).

در روایت مزبور نیز پیامبر(ص) با نشان دادن محبت زنی به فرزندش، - به شیوه تلفیقی آمرانه - نرم - از آن برای اثبات صفت مهربانی خداوند بهره می‌گیرد.

نتیجه‌گیری

واژه تربیت، تعاریف متعدد دارد و در این مقاله، مساوی با انتقال مفاهیم است. تربیت نرم، نوعی از تربیت است که تأکید آن، بر انتقال ناهشیار یا نیمه‌هشیار مفاهیم به ذهن متربی، با هدف ایجاد تغییر نرم و مانا در اوست. این روش تربیتی بر دو مبنای بسیار مهم استوار است که عبارتند از: وجود بخش هشیار یا نیمه‌هشیار در ذهن آدمی و دیگری، تطوری‌پذیری و چندپایانی بودن تربیت. بررسی آموزه‌های اسلامی نشان می‌دهد که بهره‌گیری از هر سه قسم "تربیت آمرانه"، "تربیت نرم" و روش تلفیقی "آمرانه - نرم" در موضوعات اخلاقی، عقائدی و احکامی در دستور کار پیشوایان اسلام بوده است و آنان برای تحقق روش تربیتی نرم، از هنر و زبان هنری بهره می‌بردند که روش‌های مختلفی چون: تمثیل، انصراف ذهنی، حرکات نمایشی، تصویرسازی، هدیه‌دادن، عمل‌گرایی، اشکال‌هندسی و... را در خود جای می‌دهد. بهره‌گیری از تربیت نرم بر مزایایی استوار است که این روش را بر روش تربیتی آمرانه برتری می‌دهد. این مزایا جهات مختلفی چون مانایی، پایایی و پویایی، عدم بروز حس تنفر در متربی، امکان بهره‌گیری در عرصه‌های تبلیغاتی، بهره‌گیری در روان‌شناسی موفقیت و... را دربرمی‌گیرد، اما مهم‌ترین و کاربردی‌ترین مزیت آن را می‌توان، کاربرد آن در "مقابله با جنگ نرم و تهاجم فرهنگی" تلقی کرد. جنگ نرم، جنگی خاموش است که با حداکثر پنهان‌کاری انجام می‌شود و زمینه را برای تغییر تدریجی و پایدار باورهای اساسی جامعه فراهم می‌سازد. از این رو، راه مقابله با آن نیز باید راهی باشد که قربانی جنگ نرم، به آن پی نبرد؛ زیرا اگر ابزار دفاعی با ابزار تهاجمی همخوان نباشد، اثر شایسته و بایسته‌ای به دنبال ندارد. اگر دفاع به صورت غیرنرم و آشکار باشد، ممکن است متربی حالتی

تهاجمی به خود گرفته و سخن مربی را نپذیرد.

تربیت نرم علی‌رغم مزایایی که دارد، با موانع و آسیب‌هایی نیز همراه است که مهم‌ترین آنها عبارتند از: پیچیدگی، ظرافت، عدم انتقال کامل گزاره تربیتی، نیازمندی مربی به تخصص و مهارت زیاد، عدم آشنایی خانواده‌ها با این روش تربیتی، عدم اطمینان کامل از انتقال گزاره موردنظر و که مهم‌ترین این موانع را می‌توان "عدم تأثیرگذاری کامل گزاره منتقل شده به متری" دانست و برای رفع آن از روش تلفیقی "آمرانه - نرم" بهره برد.

منابع

- قرآن مجید (۱۳۸۳)، ترجمه حسین انصاریان، قم: انتشارات اسوه.
- ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبه‌الله (۱۴۰۴ق)، شرح نهج البلاغه، قم: مکتبه آیة‌الله المرعشی النجفی.
- ابن حیون مغربی، نعمان بن محمد (۱۳۸۵ق). دعائم الاسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الأحكام، محقق: فیضی، آصف، قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹ق)، مناقب آل ابیطالب (ع)، قم: علامه.
- ابن فهد حلّی، احمد بن محمد (۱۴۰۷ق)، عده الداعی و نجاح الساعی، تهران: دارالکتب الاسلامی.
- ابن ماجه، محمد بن یزید (بی تا)، سنن ابن ماجه، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی، قاهره: دار احیاء الکتب العربیه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب، بیروت: دار صادر.
- ابن هشام، ابو محمد عبدالملک (۱۳۷۵)، زندگانی محمد (ص)، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، قم: کتابچی.
- اسمیت، ادوارد و همکاران (۱۳۸۸)، زمینه روان‌شناسی هیلگارد، ترجمه حسن رفیعی و محسن ارجمند، تهران: ارجمند.
- اعرافی، علی‌رضا (۱۳۹۶)، فقه تربیتی، تحقیق و نگارش: مهدی شکرالهی، قم: مؤسسه اشراق و عرفان.
- امامی، اعظم (۱۳۹۱)، تحلیلی بر دیدگاه‌های انقلاب نرم، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- بارون، رابرت؛ بیرن، دان و برنسکامب، نایلا (۱۳۸۸)، روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه یوسف کریمی، تهران: روان.
- بخاری الجعفی، محمد بن اسماعیل (بی تا). صحیح البخاری، بیروت: دارالفکر.
- بستانی، محمود (۱۳۷۱)، اسلام و هنر، مترجم: حسین صابری، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- پوک، گرانت و نیوئل، داینا (۱۳۹۲)، مبانی تاریخ هنر، مترجم: مجید پروانه‌پور، تهران: ققنوس.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق)، غرر الحکم و درر الکلم، قم: دارالکتب الاسلامی.

- حاجی ده‌آبادی، محمدعلی (۱۳۹۵)، *درآمدی بر نظام تربیتی اسلام*، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص).
- حجتی، سیدمحمدباقر (۱۳۶۸)، *اسلام و تعلیم و تربیت*، بی‌جا: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حکیمی، محمدرضا؛ حکیمی، محمد و حکیمی، علی (۱۳۸۰)، *الحیاء*، ترجمه احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حمیری، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳ق)، *قرب الاسناد*، قم: مؤسسه آل‌البیت.
- خوش‌خبر، عباس (۱۳۹۰)، *رازهای کودک من*، تهران: آیدین.
- دارمی، عبدالله بن بهرام (بی‌تا)، *سنن الدارمی*، دمشق: مطبعة الاعتدال.
- داوری اردکانی، رضا (۱۳۹۰)، *درباره تعلیم و تربیت در ایران*، تهران: سخن.
- داوودی، محمد (۱۳۸۵)، *نقش معلم در تربیت دینی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- داوودی، محمد و حسینی‌زاده، سیدعلی (۱۳۹۶)، *سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)*، قم - تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، سمت.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، *لغتنامه*، تهران: دانشگاه تهران.
- دهنوی، حسین (۱۳۹۳)، *روش تحقیق*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۱۲ق)، *ارشاد القلوب الی الصواب*، قم: الشریف الرضی.
- شولتز، دوان (۱۹۹۰م)، *نظریه‌های شخصیت*، ترجمه یوسف کریمی و همکاران، تهران: ارسباران.
- صانعی، سیدمه‌دی (۱۳۷۵)، *پژوهشی در تعلیم و تربیت اسلامی*، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- صدوق (ابن بابویه)، محمد بن علی (۱۳۷۶)، *الامالی*، تهران: کتابچی.
- ضرابی، عبدالرضا (۱۳۸۸)، *مجموعه مقالات تربیتی؛ تربیت دینی، اخلاقی و عاطفی*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- طیسی، محمدجواد (۱۳۷۳)، *حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام)*، کتاب آنلاین: ghadeer.org/Book/443/69251
- طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۱۲ق)، *م‌کارم‌الاخلاق*، قم: الشریف الرضی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، *الامالی*، قم: دارالتقافه.
- علم‌الهدی، علی بن حسین (۱۹۹۸م)، *أمالی المرتضی*، محقق: ابراهیم، محمد ابوالفضل، قاهره، دارالفکر العربی.
- عوفی بخاری، سدیدالدین محمد (۱۳۷۱)، *جوامع الحکایات و لوامع الروایات*، تهران: دانشگاه تهران.
- عیاشی، محمد بن مسعود (۳۸۰ق)، *التفسیر*، محقق: رسولی محلاتی، هاشم، تهران: المطبعة العلمیة.
- قائمی‌مقدم، محمدرضا (۱۳۹۱)، *روش‌های تربیتی در قرآن*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاهی با همکاری سمت.
- قربانی، امیر (۱۳۹۷)، *مجموعه مقالات سبک زندگی (جلد ۲)*، تهران: مؤسسه فرهنگی هنری دین و معنویت آل یاسین.

- قطب، محمد (۱۳۷۵)، روش تربیتی اسلام، ترجمه سیدمحمد مهدی جعفری، شیراز: دانشگاه شیراز.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق)، تفسیر القمی، قم: دارالکتاب.
- کرو، نوئل (۱۳۹۳)، نظریه‌های معاصر هنر، ترجمه میترا آریا و همکاران، بی‌جا: مدرسه اسلامی هنر.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۹)، اصول الکافی، ترجمه سیدجواد مصطفوی، تهران: کتابفروشی علمیه اسلامیة.
- مازندرانی، محمد صالح بن احمد (۱۳۸۲ق)، شرح الکافی - الاصول و الروضة، تهران: المكتبة الاسلامیة.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نادری، عزت‌الله و سیف نراقی، مریم (۱۳۷۸)، روش‌های تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی؛ باتاک‌یدبر علوم تربیتی، تهران: دفتر تحقیقات و انتشارات بدر.
- نکونام، جعفر (۱۳۷۹)، روش تحقیق کتابخانه‌ای باتاک‌یدبر علوم اسلامی، قم: انتشارات اشراق.
- هیوود هرست، پل و استنلی پیترز، ریچارد (۱۳۸۹)، منطق تربیت؛ تحلیل مفهوم تربیت از نگاه فلسفه تحلیلی، ترجمه فرهاد کریمی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- هیشمی، نورالدین علی بن ابی‌بکر (۱۴۰۸ق)، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- یزدی، سیدعباس (۱۳۷۸)، چستی هنر، تهران: مرکز پژوهش‌های اسلامی نهاد، قطران.
- P.H. Hirst and R.S. Peters (1989). the Logic of Education, London: Routledge

